

(الله الصَّمَدُ): (خدایی که در حاجت به او رو کنند)

الصمد: أي الكامل الذي ليس فيه نقص أو ثغرة أو عيب، أي
إننا في مقام تنزيهه وتسبيح ألوهيته المطلقة وبيان كمالها المطلق،
وبالتالي فهو سبحانه المقصود من الخلق لسد النقص في صفحات
وجودهم الجسمانية والملكوئية والنورية الكلية في السماء السابعة
أو العقلية لمن كان له حظ فيها وكان من المقربين.

«صمد» یعنی کاملی که در او هیچ نقص، خلل و عیبی نیست؛ یعنی ما در مقام
تنزیه و تسبیح الوهیت مطلق و بیان کمال مطلق او هستیم، و در نتیجه او سبحان
و متعال مقصودِ خلق در سدِّ نقص در صفحات وجودی جسمانی و ملکوتی و
نورانی کلی در آسمان هفتم یا آسمان عقل برای کسی که بهره‌ای در آن دارد و از
مقربین است، می‌باشد.

فهذا الوصف للذات الإلهية أي الصمد بيان للكمال الإلهي
المطلق من خلال تنزيهه سبحانه عن النقص، وأيضاً بيان للنقص
الموجود في الخلق الذي يجعلهم يقصدونه سبحانه وتعالى ليفيض
عليهم من فضله.

این وصف برای ذات الهی یعنی «صمد»، بیانی برای کمال الهی مطلق از طریق تنزیه خدای سبحان از نقص می‌باشد؛ و نیز بیانی برای نقص موجود در خلق که باعث می‌شود رو به سوی خدای سبحان و متعال کنند تا حضرتش از فضل خود بر آنها افزایند.

و هذا الوصف أي الصمد جاء بعد الأحد أي بعد أن بين طريق معرفة الحقيقة والكنه من خلال أحدية الذات وفناء الأسماء فيها ثم فنائها، والذي أشارت إليه (هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ)، فالآن بيان وتفصيل وتوضيح أن جميع الأسماء الإلهية والصفات الكمالية مطلقة منزهة عن النقص ومنطوية في الذات ويدل عليها اسم الله، فوصفه بأنه صمد أي لا جوف فيه أي لا نقص ولا ثغرة في ساحته، بل هو كامل من كل الجهات وحاوي لكل صفات الكمال، ثم شمول هذا الوصف أي الصمد لمعنى السيد الكريم الذي يقصد لقضاء الحوائج للدلالة على أنه سبحانه وتعالى بكماله المطلق المنزه المسبح يقصده الخلق لسد نقائصهم، ولقضاء حاجاتهم للدنيا والآخرة.

این شرح و وصف یعنی «صمد»، پس از «أَحَدٌ» آمده است؛ یعنی پس از آن که راه شناخت حقیقت و کُنّه از طریق یگانگی ذات و فنای اسمای الهی در آن، سپس فنای خودش (فنای ذات) و هر آنچه «هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» به آن اشارت دارد، مشخص شده است. حال، بیان تفصیل و شرح آن به این صورت است که تمام اسمای الهی و صفات کمالی مطلق خداوند از نقص منزّه و در ذات پیچیده شده است، و اسم الله بر آن دلالت دارد. لذا توصیف او به «صمد» یعنی وجودی که «جوف» ندارد (تو خالی نیست)، به این معنا که نقص و خللی در ساختش وجود

ندارد، بلکه او از هر جهت کامل است و تمام صفات کمال را دارا می‌باشد. بنابراین شامل بودن این وصف یعنی صمد، به معنای سرور بزرگواری که در برآورده شدن حوایج و نیازها به او رو می‌شود، برای دلالت بر این معنا است که خلایق با تکیه بر کمال مطلق و منزّه و مسبّح (تسبیح شده‌ی) خداوند سبحان، برای سدّ نقص و رفع حوایج و نیازهای دنیوی و آخروی‌شان، او سبحان و تعالی را قصد می‌کنند.

و هذه الآية أي الله الصمد جاءت في مرتبة تنزليّة مع المتلقي، فسورة التوحيد تبدأ من القمة ثم تنزل مع المتلقي في التوضيح حتى تنتهي إلى المقارنة مع الخلق (وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ)، فمن الحقيقة والكنه وفناء الذات الإلهية (قُلْ هُوَ) إلى أحدية الذات وفناء الأسماء فيها (اللَّهُ أَحَدٌ) إلى وصف الذات الإلهية بأنها الكامل المطلق الذي لا نقص فيه المقصود لقضاء الحوائج (اللَّهُ الصَّمَدُ).

این آیه یعنی «الله الصمد» به همراه دریافت‌کننده در جایگاه پایین‌تر و تنزل یافته‌تری آمده است. سوره‌ی توحید با اوج شروع می‌شود سپس در مقام توضیح، با دریافت‌کننده فرود می‌آید تا به مقارنه با خلق خاتمه می‌یابد: «او نه هیچ کس همتای او است»؛ از حقیقت و کُنه و فنای ذات الهی «قُلْ هُوَ» شروع می‌شود، به یگانگی ذات و فنای اسمای در آن «اللَّهُ أَحَدٌ» می‌رسد و در ادامه به توصیف ذات الهی به این که کامل مطلق است که نقصی در او راه ندارد و مقصود در برآورده شدن نیازها است «اللَّهُ الصَّمَدُ»، می‌رسد.

(الله الصمد): الصمد وکما بینت الكامل المقصود لقضاء الحوائج وسد النقص، فالصمد بیان للکمال المطلق بتسبیحه وتنزیهه سبحانه، فإذا كانت الأسماء والصفات الإلهية تمثل جهات

الكمال الإلهية المقصودة، وكل صفة أو إسم بحسبه تمثل جهة من جهات الكمال تقصد من الخلق ومنها يفاض على الخلق، تبين أن جميع الأسماء والصفات منطوية تحت هذه الصفة أو الاسم أي الصمد، فلو توسعنا في الحديث في الصمد فالأمر سيطول لأننا نحتاج للمرور على جميع الأسماء والصفات الموجودة في دعاء الجوشن الكبير على الأقل، وهذا أتركه لمن فهم وأدرك ما قدمت فالإمام الصادق (ع) يقول: (إنما علينا أن نلقي إليكم الأصول وعلينا أن تفرعوا)، والإمام الرضا (ع) يقول: (علينا اللقاء الأصول وعلينا التفريع) [82]. وأرجو من الله أن يوفق الأخوة من طلبة الحوزة العلمية من أنصار الإمام المهدي (ع) للتوسع والتفصيل وتوضيح المعنى بشكل مبسط للناس.

«الله الصمد»: «صمد» همان طور که بیشتر بیان نمودم، کاملی است که برای برآورده شدن نیازها و رفع نقص به او رجوع می کنند. صمد، بیانی برای کمال مطلق از طریق تسبیح و تنزیه خدای سبحان می باشد. اگر اسما و صفات الهی بیانگر جهات کمال الهی، مقصود و مورد نظر باشد و هر صفت یا اسم به فراخور خود بیانگر جهتی از جهات کمالی باشد که خلق به آن رو می کنند و از آن بر خلق افاضه می شود، از اینجا آشکار می گردد که تمام اسما و صفات، در این صفت یا اسم یعنی «صمد» گرد آمده اند. اگر ما بخواهیم درباره ی صمد سخن بگوییم، مطلب به درازا می کشد زیرا ما باید دست کم تمام اسما و صفات موجود در دعای جوشن کبیر را مرور کنیم، و من این کار را به کسی که مطالب قبلی ام را درک کرده و فهمیده است واگذار می کنم. امام صادق (ع) می فرماید: «وظیفه ی ما فقط این است که اصول را بیان کنیم و بر شما است که فروعها را استخراج نمایید» و امام رضا (ع) می فرماید: «بر عهده ی ما است بیان اصول و بر عهده ی شما است استخراج فروع» [83]. از خداوند مسئلت می نمایم که برادران طلاب حوزه ی

انصار امام مهدی (ع) را بر بسط و تفصیل و شرح این معنا به شکل مبسوط برای مردم، موفق بدارد.

وأظن أنني قد مررت على الصمد في المتشابهات وربما كان به بعض الفائدة لمن قرأه، وأذكر نفسي وأذكركم بحديث الإمام الباقر (ع) حيث قال (ع): (لو وجدت لعلمي الذي آتاني الله عز وجل حملة لنشرت التوحيد والإسلام والإيمان والدين والشرائع من الصمد، وكيف لي بذلك ولم يجد جدي أمير المؤمنين (ع) حملة لعلمه، حتى كان يتنفس الصعداء ويقول على المنبر: سلوني قبل أن تفقدوني، فإن بين الجوانح مني علماً جماً، هاه هاه ألا لا أجد من يحمله، ألا وإني عليكم من الله الحجة البالغة) [84].

به نظرم در کتاب متشابهات، در مورد صمد توضیح داده‌ام. شاید اگر کسی آن را بخواند، سودی یابد. خودم و شما را به حدیث امام باقر (ع) متذکر می‌شوم، آنگاه که فرمود: «اگر برای علمی که خدای عزوجل به من داده است حمل کننده‌ای پیدا می‌شد که آن را تحمل کند، هر آینه توحید و اسلام و ایمان و دین و احکام شریعت‌ها را از کلمه‌ی «الصمد» برایش تشریح می‌کردم و من چگونه می‌توانم چنین شخصی را پیدا کنم، در صورتی که جدم امیرالمؤمنین (ع) برای علم خود حمل کننده‌ای پیدا نکرد. او آه می‌کشید و بر منبر می‌فرمود: از من بپرسید قبل از این که از میان شما بروم؛ به تحقیق که در میان سینه‌ی من علم بسیاری است. هیهات! هیهات! کسی را نمی‌یابم که بتواند آن علوم را تحمل نماید. آگاه باشید که حجت بالغه‌ی خدا بر شما، من هستم» [۸۵].

[82] - الحقائق الناضرة - المحقق البحراني : ج 1 ص 133.

[83] - حقائق الناضرة - محقق بحراني: ج 1 ص 133.

[84] - التوحيد - الشيخ الصدوق : ص 92 - 93.

[85] - توحيد - شيخ صدوق: ص 92 و 93